



«آینه عبرت» به عنوان یکی از پیشگامان گونه پلیسی در تلویزیون ایران، روایتی مبتنی بر کنش و اتفاق داشت درحالی که آثار موفق بعدی، شخصیت محور بودند و از الگوی کارآگاهانی چون شرلوک هلمز، پوارو و خانم مارپل تبعیت می کردند

چالش فیلم با پلیس و پلیس با فیلم، تازه دارد به گونه پلیسی در ایران شکل و هویت می دهد

طناب کشی واقعیت و جذابیت



حرکت به سمت زیرژانر کارآگاهی، البته دلایل لجستیک دیگری هم داشت. نه سینما و نه تلویزیون ایران، توان مالی و ابزاری تولید اکشن های پلیسی را نداشته اند، درحالی که همیشه مخاطب خود را به رقیب جذابی مثل «هشدار برای کبری ۱۱» عادت داده اند. همان طور که در فیلم های پلیسی فرانسوی هم، شاهد یک گروه نسبتاً پرتعدادیم که همیشه با هم تعامل و گفت و گو دارند، یکی از آنها قد کوتاه است و بار کم دی را به دوش می کشد، دیگری زن است و قدرت فکری و مدیریتی را به نمایش می گذارد و یک بازوی عملیاتی پرتوان مرد برای نمایش بخش های اکشن تیراندازی هم دارد. بنابراین پلیس هر سرزمین، مهم ترین و بهترین ماده خام در فیلم های پلیسی است.

این ماده خام در سه دهه تولید فیلم ها و سریال های پلیسی در کشور ما، از یک سو بسیار منعطف و پر از تغییر و تحول بوده است. از سوی دیگر، اصل باورپذیری در فیلم ها به خصوص در گونه هایی که برای اثرگذاری بر گروه های اجتماعی مختلف تولید می شوند و قهرمان های آنها از مشاغل شناخته شده و پرمراجعی چون پلیس ها، وکلا و قاضی ها هستند، اقتضا می کند که همواره نزدیک به منبع واقعی خود باقی بمانند. روشن است که ورز دادن و کلنجار رفتن با این دو عامل برای فیلمسازان تا چه اندازه می توانسته در طول این سال ها دشوار بوده باشد. فیلم های پلیسی هم باید به تغییرات گسترده نیروی انتظامی به ویژه در برخی دوره ها مانند دهه ۸۰ وفادار می ماندند و هم از ظرفیت های جدید خلق شده برای روایت داستان و آشنا کردن مردم با پلیس بهره می بردند.

زن ها وارد می شوند

اولین نتیجه این تغییرات وارد شدن شخصیت پلیس زن به سریال ها بود که سد آن را «خواب و بیدار» مهدی فخیم زاده همزمان با ورود و استخدام گسترده زنان در نیروی انتظامی در ابتدای دهه ۸۰ رقم زد. قاعده ای که از آن روز تاکنون در سریال های پلیسی پایدار مانده و البته نقش زنان از حضور در عملیات ها که به واسطه و جوه تخیلی به فیلم ها اضافه شده بود و شاید مخاطب پس از یک بار تجربه کردن جذابیت آن، به میزان واقعیت داشتنش بیشتر فکر می کرد.

دومین نتیجه که خیلی زودتر از اینها می باید اتفاق می افتاد، توجه به حوزه های متنوع تر جرایم در سریال هاست. ناجی هنر از سال ۷۹ تشکیل شد، اما نزدیک به یک دهه تلاش کرد به اصالت داشتن وظیفه اجتماعی نیروی انتظامی در جامعه وفادار بماند. دهه ۹۰، انگار زمان شروع این تعامل ها و نه لزوماً به نتیجه رسیدن شان است. حالا هم پلیس متقاضی است که حتی از جرایم امنیتی هم فیلم بسازد و طبعاً بار نمایش چهره ای از نیروهای اطلاعاتی را هم به دوش بکشد و هم فیلمسازان، مایلند نزدیک به این حوزه پرچنده بمانند. سریال هایی چون «تور خاموش» را در سوژه پردازی می توان محصول این تغییرات دانست. اتفاقی که حالا با سرمایه گذاری ناجی هنر در فیلم های سینمایی مثل «متری شیش و نیم» شتاب بیشتری هم گرفته، اما همزمان هر دو نیروی برهم کنش کننده پلیس و اهالی سینما را در چالش با یکدیگر قرار داده است. کارگردانان، از یک طرف طناب فیلم را به سمت روایت شخصی می کشند و از طرف دیگر پلیس آن را به سوی واقعیت خود و مصالح اجتماعی و باید دید که حاصل این طناب کشی برای مخاطب عام چه فیلم ها و سریال های پررونقی را در پی دارد.

شروع ناجی هنر



اولین نتیجه تغییر سریال ها با توجه به شرایط جدید پلیس، وارد شدن شخصیت پلیس زن به سریال ها بود که آن را «خواب و بیدار» مهدی فخیم زاده همزمان با ورود و استخدام گسترده زنان در نیروی انتظامی در ابتدای دهه ۸۰ رقم زد

از اواخر دهه ۶۰، یعنی بیش از یک دهه قبل تر از آن که «ناجی هنر» تشکیل شود، تلویزیون سراغ سریال های سینمایی رفت و شاید این را هم مرهون دو عامل باشد؛ اول، همت محسن شاه محمدی و علاقه اش به ساخت سریال های پلیسی که با «هشدارهای پلیس» در سال ۶۷ شروع شد؛ دوم، ظرفیت های سازگار گونه پلیسی با محدودیت های تولیداتی صدا و سیما جمهوری اسلامی که در دهه اول پس از انقلاب بنابه دلایل مختلف وجود داشت. با این حال اگر بحث قدرت هنری و جذب مخاطب هم برای فیلمسازان آن دوره مطرح نبود، لااقل مساله پیشگیری و اطلاع رسانی در آسیب های اجتماعی که مطرح بود! بر این اساس نیروی انتظامی با همکاری صدا و سیما اقدام به تولید سریال هایی از این دست کرد تا این که نمونه های موفق تر «آینه عبرت» محصول ۶۸، «مزد ترس» محصول ۷۱ و «کارآگاه علوی» و «سرنخ» در سال های میانی دهه ۷۰، خاطرات خوشی از سریال های پلیسی را در ذهن مردم شکل دهند.

آینه عبرت اولین سریال پلیسی

«آینه عبرت» به عنوان یکی از پیشگامان ژانر پلیسی در تلویزیون ایران، روایتی مبتنی بر کنش و اتفاق داشت درحالی که آثار موفق بعدی، شخصیت محور بودند و از الگوی کارآگاهانی چون شرلوک هلمز، پوارو و خانم مارپل تبعیت می کردند. با این همه هر دو مورد توجه مخاطبان قرار گرفتند، اما نویسندگان و کارگردانان، الگوی اول را تقریباً کنار گذاشتند یا در نهایت آن را به خدمت الگوی شخصیت محور درآوردند و تا همین امروز، دیگر از مبنی سری های موفق که درباره معضلات خرد اجتماعی، آگاهی بخش باشند و مردم را نسبت به نقش پلیس در این معضلات و جرایم خرد، آگاه کنند، خبری نیست.



حرکت به سمت زیرژانر کارآگاهی، البته دلایل لجستیک دیگری هم داشت؛ چرا که گونه اکشن رقیب جذابی مثل «هشدار برای کبری ۱۱» داشت

گونه پلیسی از آن دست گونه هایی است که با تمام زیرگونه هایش، قربانی فاصله گرفتن ساختار فیلم سازی کشور از جریان فیلم های عامه پسند شده است. گونه ای که با آمیختن

آزاده باقری
روزنامه نگار

عناصر متعلق به گونه های اکشن، ماجراجویی، کارآگاهی، خبرنگاری و مانند آنها، ظرفیت بالایی دارد تا بدون آسیب یا با کمترین مساله، به توده تماشاگران و خصوصاً طیف های خاصی چون نوجوانان نزدیک شود، اما ما همان قدر که سال ها در تولیدات سینمایی از این ژانر محروم بوده ایم، تلویزیون به اقتضای ارتباط گرفتن با مخاطب عام، تلاش کرده از آن غافل نشود، اما این مسیر هم با فراز و نشیب هایی همراه بوده است.

فیلم «سرقه بزرگ» به همه تاریخ سینمای جهان ثابت کرد فیلم پلیسی، پیشکسوت همه گونه های سینمایی است و اگر رمان ها و ادبیات پلیسی بعد از قرن هجدهم را هم اضافه کنیم، بی تردید به عمق ریشه ها و در نتیجه اهمیت این گونه در فرهنگ عامه اعتراف خواهیم کرد. این که عمر فیلم پلیسی به اندازه عمر سینماست، البته این نتیجه را هم دارد که انبوهی از تجربه های بزرگ و موفق در حوزه روایت داستانی و پرداخت سینمایی این گونه، به خصوص در صنعت های بزرگی چون هالیوود اتفاق افتاده و طبعاً کار را برای رقبای بومی و محلی سخت تر کرده است. بنابراین حتی اگر می توانستیم بگوییم در طول چهار دهه، تعداد زیادی فیلم پلیسی ساخته ایم باز هم این ادعا برایمان دشوار بود که درصد قابل توجهی از آنها موفق بوده اند و این موفقیت ها، اتفاقی بوده یا بر اساس شناخت و مطالعه، قدرت جریان سازی پیدا کرده اند.